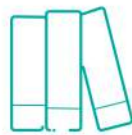


# بسم الله الرحمن الرحيم

## علم النفس به زبان ساده



از سری کتاب‌های جامع روان‌آموز (درسنامه + تست) شامل تست‌های کنکور سال‌های اخیر



منطبق بر محتوای کلاس‌های جامع روان‌آموز



۹۳ درصد تطابق با کنکور سال گذشته



بروزرسانی دائمی در طول سال تحصیلی ۱۴۰۲

## سخن روان‌آموز

علم هم برای خودش سلسله مراتبی دارد، مثلاً اولین سطح علم، چارچوب‌های ثابت‌اند، مثل پل‌ها و ساختمان‌ها که مطالعه آن کار مهندسان عمران است. در سطح دوم به ساعت‌واره‌ها می‌رسیم، مثل ساعت و موتور خودرو، این‌ها بر خلاف سطح قبل حرکت هم می‌کنند، مهندسی مکانیک این موارد را بررسی می‌کند. در سطح سوم، دستگاه‌های برنامه‌پذیرند، مثل ترموستات که علاوه بر آن که حرکت می‌کند، می‌شود به آن برنامه داد، برنامه‌نویسی کامپیوتر و علم مهندسی کنترل در این سطح است. سطح بعدی سلول است، تک یاخته زنده‌ای که مستقلاً می‌تواند، تولید مثل کند و با محیط ارتباط برقرار کند، دنیای خیلی پیچیده‌تر از دنیای مهندسی! رشته‌های زیست‌شناسی و ژنتیک در این سطح از علم فعالیت می‌کنند. سطح بعدی گیاه و اندام‌هاست، مجموعه‌ای از سلول‌ها که با هم تقسیم وظیفه می‌کنند و هرکدام کاری را به عهده می‌گیرند، رشته‌های پزشکی و گیاه‌شناسی در این سطح فعالیت می‌کنند. سطح بعدی حیوانات هستند، از اینجا آگاهی آغاز می‌شود، جاندارانی که آموزش پذیرند و از تجربه‌های قبلی درس می‌گیرند، کسانی که حیوانات را آموزش می‌دهند و روانشناسان رفتارگرا در این سطح فعالیت می‌کنند. سطح بعدی فهم و تحلیل هیجانات و رفتار انسان خودآگاه است که به لحاظ پیچیدگی فراتر از تمام علوم پزشکی و مهندسی، در بالاترین سطوح علم قرار می‌گیرد. جایی که شما با شگفتی‌های ذهن انسان روبه‌رو می‌شوید و مسایلی را حل می‌کنید که علوم پزشکی و مهندسی، نه تنها، راه‌حلی نمی‌توانند ارائه دهند، بلکه حتی ایزاری برای پیدا کردن مساله ندارند. اینجا آغاز دنیای روان‌شناسی است. خوشحالیم که در رویای بزرگ اکتشاف این سرزمین شگفت‌انگیز، قدم به قدم همراه شما هستیم!

## مقدمه مولف

اگرچه چند سال پیش از مشاورها و مدرسه‌های کنکور می‌پرسیدی «ممکنه سوالات علم‌النفس رو با روانشناسی رشد و بالینی و مرضی ترکیب کنن؟» همه شون یک‌صدا با هم می‌گفتن «نه غیرممکنه!». تا چند سال پیش، هیچ‌کس فکرشو نمی‌کرد که موقع مطالعه ابزارهای نفس و معانی عقل، باید حواسش دائماً به نظریه‌های رشد و بالینی هم باشه. بله! کنکور ارشد همیشه این رو ثابت کرده که هیچ‌چیزی غیرممکن نیست و هیچ‌کس نمی‌تونه صددرصد تخمین بزنه که سال بعد سوالات با چه سبکی طراحی می‌شن. خب حالا تکلیف چیه؟ دست روی دست بذاریم و تسلیم کنکور بشیم؟ «به هیچ وجه». کلید موفقیت توی درس علم‌النفس، فهم عمیق مطالب در کنار حفظ کردن اون هاست. اگر علم‌النفس رو این‌طور که گفتیم بخونی، هر سبکی سوال بَدَن، با یکم تحلیل می‌تونی جواب بدی. پس اگر الان نگاهت به این درس اینه که دوماه قبل کنکور یکی دو دور جزوه یا کتاب رو بخونی و بتونی درصد بالایی بزنی باید بهت بگیم که سخت در اشتباهی! سبک سوالات تغییر کرده و نه تنها تست‌ها مفهومی‌تر شدن، بلکه با پدیده‌ای به نام ترکیب سوالات علم‌النفس با مفاهیم روز روانشناسی مثل مکانیسم‌های دفاعی مواجه هستیم. پس کمر همت رو سفت و محکم ببند، مطالعه علم‌النفس روان‌آموز رو زودتر شروع کن و سعی کن مفاهیم کتاب رو خوب خوب بفهمی. ما هم توی این مسیر تنهات نمی‌ذاریم. کمک ما به شما اینه که اولاً کتابی که الان توی دستته، نه تنها منابع قدیمی‌تر بلکه منابع جدید طراحی سوالات رو هم پوشش میده؛ دوماً هرجایی که احساس کردیم مطالب کتاب، فلسفی‌تر و عمیق هستن، یک کادر اضافه کردیم و خیلی ساده و قابل فهم اون مطلب رو برات توضیح دادیم؛ سوماً جالبه بدونی اگر QR code کتاب رو اسکن کنی، در طول سال به فیلم‌ها و محتوایی دسترسی پیدا میکنی که داخلشون مفاهیم علم‌النفس رو بیشتر و ترکیب شده با مفاهیم روانشناسی توضیح دادیم. به امید موفقیت همه کنکوری‌ها.



# ستاره های روان آموز

سال	رتبه کشوری در آگرایش	نام و نام خانوادگی
۱۴۰۱	+ ۳۹ بالینی - ۱۷ روانسنجی - ۲۳ کودکان - ۳۶ تربیتی	نیما خوش فطرت
۱۳۹۹	+ ۱۷ بالینی	طاها سلاجقه
۱۴۰۱	+ ۴۹ عمومی - ۱۸ بالینی	مجتاب شرفیه
۱۴۰۰	+ ۱۹ بالینی	فاطمه عموزاده
۱۳۹۹	* ۲۱ بالینی - ۲۹ سلامت - ۱۹ بالینی کودک	آرزو زنجیر مقدم
۱۴۰۱	+ ۲۰ روانسنجی	علیرضا باغبان
۱۴۰۰	+ ۲۰ بالینی	مهسا کشاورز
۱۴۰۰	+ ۲۷ بالینی - ۲۶ کودکان - ۳۰ روانسنجی	علی جولانی
۱۴۰۱	+ ۲۷ تربیتی	نیکو صدوری
۱۴۰۱	* ۲۷ بالینی - ۲۸ بالینی کودک - ۲۸ سلامت - ۳۱ بهداشت روان	ویدا کوه پیم
۱۴۰۱	+ ۲۸ عمومی - ۲۸ بالینی - ۴۸ روانسنجی - ۳۴ کودکان	ریحانه گل کوند
۱۴۰۰	+ ۲۸ عمومی	عالیه مرادی
۱۴۰۱	+ ۳۱ بالینی	فاطمه جباری
۱۴۰۱	+ ۳۱ عمومی - ۴۷ بالینی	شیدا عباس زاده
۱۳۹۹	+ ۳۱ بالینی	ملیکا بھرامی
۱۴۰۰	* ۳۲ بهداشت روان - ۳۶ سلامت - ۵۰ بالینی	مهدی میروبیان
۱۴۰۱	+ ۴۲ روانسنجی - ۳۵ کودکان	پریسا کیلا
۱۴۰۱	+ ۳۷ عمومی	علی قائم مقام
۱۴۰۰	+ ۳۷ بالینی	سپیده کاروان
۱۴۰۰	+ ۳۸ عمومی - ۴۰ بالینی	حسین اصلا
۱۴۰۱	+ ۳۹ عمومی - ۴۳ روانسنجی - ۵۰ کودکان	یاسمن کریمی
۱۴۰۱	+ ۳۹ روانسنجی	زهرا نجیبی
۱۴۰۱	+ ۴۷ عمومی - ۳۹ کودکان	فاطمه بزرگ
۱۴۰۱	+ ۴۰ بالینی	فرزانه عبدی
۱۴۰۱	+ ۴۲ عمومی - ۴۱ بالینی	فاطمه کرمزانی
۱۴۰۰	+ ۴۸ عمومی - ۴۲ بالینی - ۵۰ کودکان	فاطمه خسروانجام
۱۴۰۱	+ ۴۳ عمومی	علی خدا پناه
۱۳۹۹	+ ۴۴ بالینی	نگین فراحی
۱۴۰۰	+ ۴۵ عمومی	فاطمه ایمانی
۱۴۰۱	+ ۴۶ بالینی	محمد مهدی انبیزاده
۱۴۰۰	+ ۴۷ بالینی	مریم میراشه
۱۴۰۱	+ ۴۸ تربیتی	زهرا نیاپیش راد
۱۴۰۰	+ ۴۸ بالینی	گوثریوسفی

سال	رتبه کشوری در آگرایش	نام و نام خانوادگی
۱۴۰۱	+ ۲ عمومی - ۱ بالینی - ۸ روانسنجی - ۵ کودکان - ۲۳ تربیتی	زهرا قاسمی
۱۳۹۹	+ ۱ تربیتی - ۴۷ کودکان	نیما فریدنی
۱۳۹۸	+ ۱ بالینی	فائزه قدمی
۱۴۰۱	+ ۶ عمومی - ۲ بالینی - ۲۲ روانسنجی - ۱۵ کودکان	مهرناز یوسفی
۱۳۹۹	+ ۲ عمومی - ۹ بالینی	مهسا محمدی
۱۳۹۹	* ۲ بالینی - ۵ بهداشت روان - ۳ سلامت - ۲ بالینی کودک	سارا بابایی
۱۴۰۰	+ ۳ روانسنجی	نجمه نورس
۱۳۹۸	+ ۱۰ عمومی - ۳ بالینی - ۳۹ کودکان	فریبا میرس
۱۴۰۱	+ ۸ عمومی - ۴ بالینی - ۱۲ روانسنجی - ۲۳ کودکان - ۳۰ تربیتی	مجتبی حدائق
۱۴۰۰	+ ۸ عمومی - ۱۲ بالینی - ۱۲ روانسنجی - ۴ کودکان	سارا صابری
۱۳۹۹	+ ۴ کودکان - ۱۱ روانسنجی	فاطمه بصودی
۱۳۹۹	+ ۴ عمومی - ۶ بالینی - ۱۰ روانسنجی - ۱۳ کودکان	امیرحسین ارفع رحیمیان
۱۴۰۱	+ ۳۲ عمومی - ۵ بالینی - ۳۸ روانسنجی	فرزانه قیوم
۱۴۰۱	+ ۵ عمومی - ۱۲ بالینی - ۳۴ روانسنجی - ۳۱ کودکان	علی سلیمی
۱۴۰۰	+ ۲۰ عمومی - ۵ بالینی	محمد علی خائرس
۱۴۰۰	+ ۵ عمومی - ۱۶ بالینی - ۹ روانسنجی - ۱۱ کودکان - ۲۵ تربیتی	علیرضا محمودی
۱۳۹۹	+ ۵ کودکان - ۳۲ عمومی - ۳۵ بالینی	زهرا آقاجانی
۱۴۰۱	* ۶ بهداشت روان - ۱۰ سلامت - ۱۶ بالینی - ۱۶ بالینی کودک	زهرا قاسمی
۱۴۰۰	+ ۶ عمومی - ۷ بالینی - ۸ روانسنجی - ۱۰ کودکان - ۲۷ تربیتی	انوشا ناصر طاهرس
۱۴۰۱	+ ۷ تربیتی	مرضیه زمانی
۱۴۰۱	* ۷ بهداشت روان - ۲۳ سلامت	امیرمهدی امرانی
۱۴۰۱	* ۷ بهداشت روان - ۱۸ سلامت - ۳۴ بالینی - ۳۴ بالینی کودک	علیرضا باغبان
۱۴۰۰	+ ۷ عمومی - ۴۴ بالینی - ۱۵ کودکان - ۲۳ روانسنجی	سارا جلودارس
۱۳۹۹	* ۱۰ بالینی - ۸ بهداشت روان - ۷ سلامت - ۱۰ بالینی کودک	ساینا فتح الله زاده
۱۴۰۱	* ۸ بالینی - ۹ سلامت - ۸ بالینی کودک	ندا اقلی پور
۱۴۰۱	+ ۴ عمومی - ۹ بالینی - ۵۴ روانسنجی - ۳۸ کودکان	زهرا الهامی
۱۴۰۰	+ ۹ عمومی - ۳۶ بالینی - ۲۹ روانسنجی - ۳۰ کودکان	سعید یایدار فرد
۱۳۹۸	+ ۱۱ بالینی	مهسا هونجانی
۱۴۰۱	+ ۱۲ عمومی - ۲۴ بالینی - ۱۴ روانسنجی - ۲۷ کودکان - ۳۴ تربیتی	پریا الفتی
۱۳۹۹	+ ۱۲ بالینی - ۳۹ عمومی	سپیده سعانی
۱۴۰۰	+ ۱۳ عمومی - ۲۶ بالینی - ۲۱ روانسنجی - ۳۹ کودکان	سینا صبور
۱۳۹۸	+ ۱۳ بالینی	زینب قاسمی
۱۳۹۹	+ ۲۲ عمومی - ۱۴ بالینی - ۳۱ روانسنجی - ۴۲ کودکان	سارا الله وردی

+ داوطلب وزارت علوم  
\* داوطلب وزارت بهداشت

برای اطلاع از جدیدترین ستاره های سال ۱۴۰۲ روان آموز، QR code را اسکن کن.  
راستی تابه حال از خودت پرسیده ای چرا تو یکی از هزار هزار ستاره ما نباشی!؟



# نظرات رتبه برترها

## زهرا قاسمی - رتبه ۱ کنکور ۱۴۰۱

اصلا باور نمی‌کردم همونطور که در آزمون جامع روان آموز رتبه تک رقمی شدم در کنکور واقعی هم همینطور بشه. من از کتاب‌ها، کلاس‌ها و اپلیکیشن نارنگی خیلی استفاده کردم و به نظرم واقعا اثرگذار بود.

## مجتبی حدائق - رتبه ۴ کنکور ۱۴۰۱

کلاس‌های رشد و بالینی خانم دکتر خجوی خیلی جامع مباحث رو پوشش می‌دادن و من دو هفته آخر برای دوره و مرور بهشون تکیه کردم و برای شخص من خیلی مفید و کاربردی بودن.

## زهرا احمدی - رتبه ۹ کنکور ۱۴۰۱

من از کتاب‌ها و کلاس‌های روان آموز استفاده کردم. قطعاً نقش پررنگی در این مسیر داشت و اگر این کتاب‌ها به این خوبی تالیف نمی‌شدند، جمع‌آوری این نکات از کتب مختلف قطعاً کار طاقت فرسا و غیرممکنی بود. آزمون جامع مرحله یک رو هم شرکت کردم و در اون آزمون به نظرم سوال‌های خیلی خوبی طرح شده بود.

## سارا صابری - رتبه ۴ کنکور ۱۴۰۰

از همه محصولات روان آموز از جمله کلاس رشد و بالینی و کتابها استفاده کردم. واقعا ممنونم که تو سال کنکور نه مثل موسسه‌های کنکوری، بلکه مثل یه دوست واقعی کنارمون بودن.

## محمدعلی حائری - رتبه ۵ کنکور ۱۴۰۰

لازم می‌دونم که یک تشکر ویژه از مجموعه روان آموز داشته باشم که واقعا در موفقیت من موثر بود و به کنکوری‌های آینده هم کتابا و جزوات و مخصوصاً اپ نارنگی روان آموز رو پیشنهاد می‌کنم.

## سارا جلوداری - رتبه ۷ کنکور ۱۴۰۰

من خیلی خوشحالم که تو مسیر کنکور روان آموز رو کنارم داشتم؛ چون تیم کاملیه، چه از نظر منابع درسی و کلاس‌های آنلاین و چه از نظر طرح‌های مشاوره، انتخاب مناسبیه.

## زهرا آقاجانی - رتبه ۵ کنکور ۱۳۹۹

من از کتاب‌های روان آموز استفاده کردم و واقعا به دور از اغراق می‌گم خیلی فوق‌العاده بود. بین تمامی جزوات و کتاب‌های کمک آموزشی روان آموز بهترینیه. کتاب‌هایی کامل، بدون اضافه‌گویی و واقعا مختصر و مفیده. محتوای غنی کتاب‌های روان آموز علاوه بر اینکه در طول سال مناسبترین منابع جمع‌بندی هم هستن، اگر دوباره به عقب برگردم حتماً از خدمات مشاوره روان آموز هم کمک می‌گیرم.

## فریبا میری - رتبه ۳ کنکور ۱۳۹۸

من ابتدا قصد داشتم منابع اصلی رو بخونم ولی به علت کمبود وقت از کتاب‌های روان آموز استفاده کردم که خیلی برام مفید بود و خودم فکر نمی‌کردم تکیه کردن به خلاصه‌ها بتونه همچین نتیجه‌ای برام داشته باشه.

## سینا محمدباقری - رتبه ۳ کنکور ۱۴۰۰

با توجه به پراکندگی منابع، حجم گسترده و محدودیت زمانی که داشتم، دنبال یک منبع جامع و در عین حال اقتصادی می‌گشتم و در نهایت کتاب روان آموز رو انتخاب کردم و کاملاً راضی بودم.

## مرضیه زمانی - رتبه ۷ کنکور ۱۴۰۱

یک بار در آزمون آزمایشی شرکت کردم که در ترتیب پاسخگویی به دروس خیلی کمکم کرد. رتبه‌ام چهار شد، اپ نارنگی رو داشتم، ولی خب دیر باهاش آشنا شدم، از کارگاه رشد خانم خجوی هم استفاده کردم. همچنین ممنونم ازشون که یه سری خدمات آموزشی درسایت روان آموز رو رایگان در اختیار داوطلبین قرار می‌دن.

## محمد احمدوند - رتبه ۱۲ کنکور ۱۴۰۱

خوشبختانه پوشش جامع کتاب‌های روان آموز باعث شد که بی‌نیاز از مطالعه منابع اولیه باشم؛ این مسئله به ویژه درباره کتاب آسیب‌شناسی روانی صدق می‌کرد.

## فاطمه ایمانی - رتبه ۴۵ کنکور ۱۴۰۰

کلاس‌های بالینی و رشد خانم خجوی عبور از چالش رو برام ممکن کرد. بازخورد خوبی هم از یادگیریم می‌گرفتم. رشد سه برابر درصدهامو نشون میداد. تمام مطالب سخت و مبهمی که برام وجود داشت با توضیحات عمیق خانم دکتر به نقطه قوت تبدیل شدن. موسسه روان آموز با تمام کتاب‌ها و کلاس‌ها و اپلیکیشن‌ها یه مرجع بی‌کم و کاست برای کنکور روانشناسیه.

## انوشا ناصرطاهری - رتبه ۶ کنکور ۱۴۰۰

مطالعه برای ارشد روانشناسی رو از سایت روان آموز شروع کردم. فررنس‌های معرفی شده رو پیدا کردم و خوندم. از کتاب‌های روان آموز استفاده کردم و راضی بودم چون پوشش دهی خوبی از نکات اصلی داره.

## نیما فریدنی - رتبه ۱ کنکور ۱۳۹۹

من به شخصه چون یک هفته مانده به کنکور مطالعه و مرور منابع رو تمام کرده بودم، از طرفی هم دیدی نسبت به شکل کنکور نداشتم و تا حدی هم استرس داشتم، تصمیم گرفتم آزمون جامع آخر را شرکت کنم که بسیار در جمع‌بندی، مطالعه‌ی نکات مهم و جامانده و البته سنجش از خودم، به من کمک کرد.

## فانزه قدمی - رتبه ۱ کنکور ۱۳۹۸

من از کتاب‌ها و برنامه نارنگی استفاده کردم. روان آموز موسسه واقعا خوبیه و کیفیت کتاب‌ها خوبه.

## مهسا هونجانی - رتبه ۱۱ کنکور ۱۳۹۸

من خیلی از کتاب‌های روان آموز و مطالب سایتشون استفاده کردم و بی‌تعارف به نظرم روان آموز یکی از منطقی‌ترین و صحیح‌ترین کتاب‌های روانشناسی رو داره.



## درصد تطابق

می‌دانید که با مطالعه دقیق و کامل کتاب‌های جامع روان‌آموز، می‌توانید در هر درس، درصد بالایی در آزمون کسب کنید. برای تایید این سخن، روان‌آموز هر سال با ارائه فایل مستندات دقیق، میزان پوشش دهی کتاب‌ها را محاسبه و منتشر می‌کند. درصد تطابق کتب روان‌آموز با کنکور کارشناسی ارشد روانشناسی سال ۱۴۰۲ نیز به شرح زیر است:

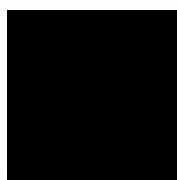
برای مشاهده فایل تحلیل درس به درس کنکور ۱۴۰۲ همراه با فایل مستندات، QR code زیر را اسکن کن!



به نظر شما هواپیما در چند درصد زمان پرواز در مسیر از پیش تعیین شده حرکت می‌کند؟ صفر درصد! سیستم خلبان خودکار در هر ثانیه هزاران بار اختلاف موقعیت فعلی هواپیما را با موقعیتی که باید در آن باشد، محاسبه کرده و دستورهای اصلاحی مورد نیاز را صادر می‌کند. رولف دوبلی در کتاب هنر خوب زندگی کردن می‌گوید: اصلاح، یک جزء همیشگی در مسیر زندگی است و رمز بقا و ماندگاری محسوب می‌شود.

ما هم در روان‌آموز هر چند تمام تلاشمان را برای ارائه بی‌عیب و نقص کتاب‌ها و سایر محصولات انجام می‌دهیم اما معتقدیم، اصلاحات و اضافات را نباید دست کم گرفت. هر چند که هر ساله پس از برگزار شدن کنکور اقدام به جمع‌آوری اطلاعات جدید و به‌روز در تمامی درس‌ها مطابق با آخرین تغییرات کتاب‌های مرجع و منبع اصلی و شیوه طراحی تست طراحان کنکور می‌کنیم (کاری که کمتر موسسه‌ای می‌کند)، اما باز هم پس از انتشار کتاب‌ها، این روند را متوقف نمی‌کنیم. مولفین و همکاران تیم روان‌آموز همه روزه در حال مطالعه و تفحص در باب مباحث علمی و مشاوره‌ای کنکور هستند تا چنانچه محتوا و مطالب جدیدی به دستمان رسید، آن‌ها را با شما نیز به اشتراک بگذاریم. هر چند این کار بسیار سخت و زمان‌بر است، اما از آن‌جا که ما خود را در قبال داوطلبین و مخاطبینمان متعهد و مسئول می‌دانیم، این پروسه پیچیده برایمان شیرین و اثربخش است. این QR code ها در واقع نقش تکمیل‌کننده برای هر کتاب ایفا می‌کنند. ما در طول یک سال تحصیلی از طریق این لینک‌ها با تمام افرادی که کتاب‌ها را تهیه کرده‌اند در ارتباط خواهیم بود و در صورت لزوم محتواهای مکمل از جمله مقالات، مطالب علمی جدید و تست‌های مرتبط را جهت استفاده شما در لینک‌های مربوطه بارگذاری خواهیم کرد. لازم به ذکر است استفاده از محتواهای مکمل، فقط در همان سال و ویژه داوطلبانیست که کتب چاپ جدید را تهیه کرده‌اند.

اطلاع‌رسانی‌ها در مورد انتشار محتوای جدید نیز از طریق کانال‌های روان‌آموز در شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود.



فصل ۱/ کلیات علم النفس .....	۹
فصل ۲/ انسان از دیدگاه کندی .....	۲۰
فصل ۳/ انسان از دیدگاه فارابی .....	۳۰
فصل ۴/ انسان از دیدگاه شیخ‌الرئیس ابن‌سینا.....	۴۹
فصل ۵/ انسان از دیدگاه غزالی .....	۷۷
فصل ۶/ انسان از دیدگاه سهروردی .....	۹۳
فصل ۷/ انسان از دیدگاه ملاصدرا .....	۱۰۳
فصل ۸/ انسان از دیدگاه سایر اندیشمندان مسلمان .....	۱۱۷
فصل ۹/ رابطه نفس و بدن .....	۱۳۵
فصل ۱۰/ هوش و عقل .....	۱۳۹
فصل ۱۱/ شخصیت .....	۱۴۴
فصل ۱۲/ سازمان‌دهی ویژگی‌های کلی حیات .....	۱۵۹
فصل ۱۳/ نفس .....	۱۶۴
فصل ۱۴/ عقل .....	۱۷۵
فصل ۱۵/ روح .....	۲۰۱
فصل ۱۶/ فطرت و غریزه .....	۲۰۵
فصل ۱۷/ قلب (صدر، فؤاد) .....	۲۲۴
فصل ۱۸/ انسان موجودی مختار یا مجبور؟ جمع‌گرا یا فردگرا؟ .....	۲۳۲
فصل ۱۹/ ویژگی‌ها، محدودیت‌ها، نیازها و مراحل خلقت انسان .....	۲۳۷
فصل ۲۰/ سلامت روانی و درمان در اسلام .....	۲۴۸

## فهرست مطالب

خوشحالیم که روان آموز را انتخاب کرده‌ای و در مسیر تبدیل شدن به یک روانشناس خبره، این فرصت را داریم که کنارت باشیم. تمام تلاش ما این است که همراه بهتری باشیم.



به پایان آمد این دفتر، حکایت ما و شما همچنان باقیست. حالا که به انتهای این فهرست رسیده‌ای برای بهبود این همراهی، به همکاری ات نیاز داریم. حتی یک ایده که به نظر خودت شاید خیلی کوچک بیاید، ممکن است برای ما حسابی راهگشا باشد. در این لینک یک فرم نظرسنجی هم داریم که به پاس زمانی که برای پاسخگویی اختصاص می‌دهی، جوایز ارزنده‌ای در نظر گرفته‌ایم که پس از برگزاری کنکور به قید قرعه تقدیم خواهد شد.

برای ثبت ایده یا شرکت در نظرسنجی QR code را اسکن کن!

# I AM GOING TO BE A PSYCHOLOGIST



## داستان یک سفر...

امید داریم لذت گشت و گذار در دنیای این کتاب به جانتان بنشیند. خوشحال می شویم اگر قبل از شروع این کتاب، اهداف و رویاهای خود را در این زمینه بنویسید و عکس این صفحه را برای ما ارسال کنید. این صفحه در مواقع سخت و بحرانی مطالعه برای کنکور، همیشه کنار توست.



# فصل ۱

## کلیات علم النفس

### ● مقدمه

در این فصل به کلیاتی از فلسفه و ارتباط آن با روانشناسی اشاره می‌کنیم و در فصول بعد نظریات هر دانشمند را به‌طور جداگانه بررسی می‌نماییم.

فلسفه به‌عنوان یک دانش تلاش می‌کند از طریق ابزار عقل، مهم‌ترین و کلی‌ترین مسائل جهان هستی را بررسی کند. از بین ابزارهای سه‌گانه شناخت در انسان یعنی: حس، عقل و قلب، فلسفه از ابزار عقل بهره می‌برد.

فلاسفه اسلامی در نظریاتشان در مورد نفس، بیشتر پیرو افلاطون و ارسطو هستند. یکی از منابع مورد استفاده آن‌ها در این زمینه کتاب النفس ارسطو (معلم اول) است.

در روزگاری نه‌چندان دور که مطالعه سرشت انسان تنها در قلمرو فلسفه ممکن بود، روانشناسی نیز مانند بسیاری از رشته‌های علمی دیگر، از اعضای خانواده فلسفه به حساب می‌آمد، اما از قرن ۱۷ و پس از آن که زمینه برای رشد دانش تجربی گسترده شد و تخصص‌ها پدید آمدند، رشته‌های گوناگون علمی یکی پس از دیگری مشغول نزاع با فلسفه و تلاش برای جدایی از آن گشتند و آخرین مبحثی که از فلسفه جدا شد، روانشناسی در نیمه قرن نوزدهم بود.

در نگاه اولیه، روانشناسی علمی کاملاً تجربی است که از فلسفه که دانش عقلی و برهانی است، جدا است. اما یک تحلیل روش‌شناختی حکایت از این دارد که روانشناسی آن چنان به فلسفه نزدیک است که نمی‌توان روانشناس صاحب نامی را عنوان کرد که صرف‌نظر از نگرش مثبت و یا منفی او به فلسفه، معتقد به نوعی فلسفه و نظریه فلسفی نباشد و همچنین مکتبی روان‌شناختی پیدا نمی‌شود که چند اصل از اصول فلسفی را پیش‌فرض خود قرار نداده باشد. از این رو، آیا روانشناسان به کلی از فلسفه بی‌نیاز هستند یا این که با وجود جدا شدن این دو از یکدیگر، پیوند میان آن دو هنوز برقرار است؟

### تاریخ روانشناسی

تاریخ روانشناسی را می‌توان به دو دوره اصلی تقسیم کرد:

دوره اول از زمان فلسفه یونان باستان تا پایان قرون وسطی یعنی در یک فاصله زمانی بیش از دو هزار سال که در طی آن، موضوع اصلی روانشناسی، ماهیت روح و جان انسان و تلاش برای شناسایی آن با روش‌های فلسفی تشکیل بود. این دوره به «عصر روانشناسی مابعدالطبیعی یا ما قبل علمی» موسوم است و مکاتب سنتی و عمدتاً فلسفی - روان‌شناختی به جدایی مطلق «نفس» و «بدن» باور داشتند. روانشناسی ما قبل علمی بیش از حد فلسفی بود و مسئله مورد علاقه اش شناسایی حیات ذهنی بشر با روش‌های فلسفی بود.

دوره دوم از عصر دکارت به بعد شروع می‌شود. دکارت توجهش را از روح به ذهن و فرایندهای ذهنی معطوف ساخت و پس از وی ذهن در کانون توجه قرار گرفت و مجادله بر سر رابطه نفس و بدن با عناوین گوناگون در میان فلاسفه و روانشناسان شدت یافت. اما در اثر واکنش نسبت به فلسفه دکارت، «فلسفه تجربی» و نظام‌های وابسته به آن به وجود آمدند و به سرعت تحلیل تجربی ذهن جای بررسی عقلانی آن را گرفت و روانشناسی، جنبه تجربی یافت.

بدین سان، روانشناسی نوین که در ابتدا بیش از حد فلسفی بود، به تدریج از فلسفه فاصله گرفت و جنبه علمی‌تری یافت و گرچه در ابتدا، ذهن‌گرایی مکتب حاکم بر تفکرات روان‌شناختی بود و روانشناسان انسان را ترکیبی از بدن و ذهن در نظر می‌گرفتند و هشیاری را معادل ذهن دانسته، روانشناسی را علم مطالعه هشیاری و ذهن تعریف می‌نمودند، اما تحت تأثیر جو علمی حاکم بر قرن نوزدهم، مطالعه ذهن و هشیاری که در کانون و متن روانشناسی قرار داشت، برای مدتی از روانشناسی حذف گردید و بیشتر به جنبه‌های رفتاری انسان توجه شد. در فلسفه اسلامی نیز از قدیم‌الایام در بخشی تحت عنوان «علم النفس» به مسائل روان‌شناختی می‌پرداخته‌اند. در علم النفس، علاوه بر



مباحث فیزیولوژیک و حواس ظاهری، به امور مربوط به بُعد انسانی نیز توجه بسیاری شده است.

### ● عوامل مؤثر در شکل‌گیری روانشناسی علمی

از قریب دو قرن قبل از تشکیل روانشناسی جدید، نظریات علمی تازه‌ای عرضه شده و اکتشافات و اختراعات عظیمی تحقق یافته بودند که در تکوین اندیشه و جهت‌گیری علمی و فلسفی دانشمندان و در تغییر و تحولات علوم گوناگون تأثیرات مستقیمی بر جای گذاشتند و نیز بر شکل‌گیری و نگرش و جهت‌گیری روانشناسی نیز تأثیر بسزایی داشته‌اند.

نظریه‌های «تجربه‌گرایی»، «اثبات‌گرایی» و «ماده‌گرایی» از جمله جریان‌های فکری عمده‌ای هستند که بر حرکت روانشناسی علمی تأثیر داشته‌اند. مکتب «تجربه‌گرایی» گرایشی مهم نسبت به روانشناسی ایجاد کرد و آغازگر تحولی ریشه‌ای در تفکر روان‌شناختی گردید، به گونه‌ای که از جمله عوامل مؤثر در جداسدن روانشناسی از فلسفه و استقرار آن به صورت علمی مستقل، به حساب می‌آید. روانشناسی تحت تأثیر تجربه‌گرایی به آزمایشگری نزدیک شد و شیوه جدیدی در مطالعات روان‌شناختی را که به «حس‌گرایی» منتهی شد، به همراه داشت. بدین‌سان، از آن‌رو که ذهن قابل تجربه حسی و اندازه‌گیری آزمایشگاهی نیست، از مطالعات روانشناسانه حذف شد. تجربه‌گرایان، ذهن را چیزی جز همان تراکم تدریجی تجربه‌های حسی نمی‌دانند. بنا بر نظریات «فلسفه اثبات‌گرایی» صرفاً واقعیت‌هایی که قابل مشاهده باشند، پذیرفته می‌شوند و در نتیجه، متافیزیک انکار می‌گردد. «اثبات‌گرایی» مدعی بود هرچه را نتوان به کمک حواس بدن دست‌یافت غیرقابل شناخت است. در نتیجه، اثبات‌گرایی تمامی فلسفه مابعدالطبیعه را اساساً رد کرد و موجب تقویت گرایش‌های ضد «ذهن‌گرایی» و «درون‌گرایی» در روانشناسی گردید و زمینه‌های ایجاد روانشناسی رفتارگرایی را فراهم نمود.

اعتقاد به فلسفه مکانیسمی و ماشین‌گرایی، تعیین‌کننده خط‌مشی حرکت روانشناسی در قرن نوزدهم و پس از آن بوده است. این که همه جهان شبیه ماشین است، یعنی منظم، قابل پیش‌بینی، مشاهده و اندازه‌گیری می‌باشد؛ بنابراین، همه چیز، حتی انسان را می‌توان در قالب مفاهیم فیزیک توصیف کرد و در پرتوی ویژگی‌های فیزیکی بررسی نمود.

براین‌اساس، روانشناسی برای اعلام استقلالش از فلسفه و رسیدن به یک نظام علمی، مجبور بود روش‌ها، شیوه‌ها و ابزاری بیابد که در عین تناسب با موضوع روانشناسی، بر معیارهای علم نوین نیز منطبق باشند. بدین‌روی، روانشناسان در ابتدا با به‌کار بستن درون‌نگری، نشان دادند که می‌توانند از این روش به سود روانشناسی استفاده نمایند. اما با پیشرفت روانشناسی و جهت‌گیری‌های تازه آن و شناخته شدن کاستی‌های درون‌نگری، فاصله‌گرفتن از روش درون‌نگری شروع شد و استفاده از آن محدود گردید و به روش‌های ملموس‌تر، اعتماد بیش‌تری پیدا شد. از سوی دیگر، نظریه «تکامل» داروین این نظر را مطرح ساخت که انسان اساساً تفاوتی با حیوان ندارد و این نظریه به تدریج، کل روانشناسی را تحت الشعاع قرار داد و روانشناسی در واقع، به صورت بخشی از مطالعه زیست‌شناختی موجودات زنده در آمد. همچنین این اعتقاد به وجود آمد که انسان را باید به منزله یک «ارگانیسم» مطالعه کرد. این عقیده هم به سهم خود، به بی‌اهمیت جلوه‌دادن هشیاری و ذهن کمک نمود و به گفته مک دوگال «تکامل» تأثیر بسزایی در تأسیس روانشناسی بدون روح داشته است.

بدین‌سان، آنچه برای ایجاد علم جدید لازم بود، فراهم شد و تنها عینیت‌بخشیدن به نظریه‌ها مورد نیاز بود و زمینه این کار با رشد روش آزمایشگاهی، به ویژه در فیزیولوژی فراهم گردید. فیزیولوژی مکانیسم‌های فیزیولوژیک و زیر بنای پدیده‌های ذهنی را در آزمایشگاه مورد تحقیق قرار می‌داد. در نهایت با ظهور روانشناسی آزمایشگاهی و فیزیولوژیک، روانشناسی علمی به دست دانشمندان همانند وونت در سال ۱۸۷۹ به عنوان رشته‌ای جدید شکل گرفت.

ویلهم وونت علاوه بر فلسفه، استاد فیزیولوژی و آشنا به «روش‌شناسی علمی» نیز بود. وی سرسختانه به رابطه دوجانبه بین فلسفه و روانشناسی اصرار می‌ورزید و معتقد بود روانشناسی باید در تماس نزدیک با فلسفه پرورنده شود و به‌رغم اشتیاقش به آزمایش، عقیده داشت که تنها آن دسته از پدیده‌های ذهنی را که آمادگی پذیرش مستقیم تأثیر فیزیکی دارند، می‌توان مورد آزمایش قرار داد و تحقیق در فرایندهای عالی ذهنی مانند تفکر و اراده، نیازمند استفاده از روش‌های دیگر می‌باشد. اما پس از مدتی نه‌چندان دور، دیوار بین جسم و ذهن فرو ریخت و روانشناسی در حدود سال ۱۹۳۰ رسماً به جرگه علوم تجربی پیوست.

### ● رابطه روانشناسی با فلسفه

به‌درستی، فلسفه از دیرباز خود را متولی روانشناسی می‌دانسته است؛ زیرا کاوش‌های روان‌شناختی هم‌زمان با طلوع فلسفه آغاز گردیدند و تفکر روان‌شناختی بیش از ۲۴ قرن قبل، یعنی از دوران فلسفه یونان باستان تا اواخر قرن نوزدهم، بخشی از فلسفه به شمار می‌رفت و در بطن آن رشد یافت. در حقیقت فیلسوفان بودند که به مباحث گوناگون درباره عملکردهای انسان در بخشی از فلسفه به نام «علم‌النفس»

می‌پرداختند. بدین‌سان، روانشناسی تحت‌عنوان علم‌النفس، قرن‌های متمادی به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فلسفه در مراکز علمی جهان، به‌خصوص در ایران تدریس می‌شد و کمتر فیلسوف و متفکری را از زمان ارسطو تا ملاصدرا می‌توان یافت که به مباحث احساس، ادراک، تفکر و توانایی‌های ذهنی نپرداخته باشد.

براین‌اساس، می‌توان گفت فلسفه در طول قرن‌ها، نظریه‌هایی را صورت‌بندی کرده‌است که مبنای فلسفی روانشناسی نوین را تشکیل می‌دهند. از این‌رو، شاید فیلسوفان شایسته‌عنوان «مبتکر علم‌روانشناسی» باشند؛ چرا که ایشان بی‌تردید برای اولین بار مباحث مربوط به مسائل بنیادی روان‌شناختی را مطرح نموده‌اند. از این‌رو، هر مکتب روانشناسی از طریق پیش‌فرض‌های پنهان و آشکاری که ریشه در تعالیم فلسفی داشته، تکامل یافته‌است و نظریه‌های روان‌شناختی اغلب تحت‌تأثیر اندیشه فلسفی گذشته یا معاصر می‌باشند.

در این‌جا، به برخی از این تأثیرات اشاره می‌شود. اگرچه ارسطو هرگز خردورزی و تعقل را نادیده نگرفت، اما نسبت به «مشاهده تجربی» نگرش مثبت داشت، به‌گونه‌ای که معتقد بود: سرچشمه همه دانش‌ها «تجربه حسی» است. وی در تشریح دیدگاه تجربه‌گرایانه خود، قوانین «تداعی» را تدوین نمود و اصول تداعی‌اش بعدها پایه‌های مکتب «تداعی‌گرایی» را تشکیل داد که شدیدترین و مستقیم‌ترین تأثیر را بر روانشناسی علمی گذاشت و هنوز هم بخش عمده‌ای از روانشناسی به حساب می‌آید.

از جمله فیلسوفان دیگر، دکارت می‌باشد که فلسفه‌اش بر نسل‌های بعدی تأثیری عمیق و گسترده داشته و به روانشناسی خدمت‌های زیادی کرده‌است. دکارت با مقایسه بدن انسان با ماشین، راه را برای مطالعه علمی انسان هموار کرد. او فیزیولوژیست‌ها را واداشت تا روش کالبدشکافی را به‌منظور بهتر شناختن ماشین بدن، به‌کار گیرند و از آن‌رو که می‌پنداشت انسان و حیوان از نظر فیزیولوژیکی شبیه هستند، مطالعه حیوانات برای شناخت انسان، از احترام ویژه‌ای برخوردار شد. از این‌رو، راه را برای «روانشناسی فیزیولوژیک» و «روانشناسی تطبیقی» هموار نمود.

توماس هابز با اعتقاد به این که تأثرات حسی سرچشمه همه دانش‌ها هستند، مکتب تجربه‌گرایی را بازگشایی کرد و با این ادعا که رفتار انسان به‌وسیله میل‌ها یا بیزاری‌ها کنترل می‌شود، اندیشه جرمی بن‌تام را سامان بخشید که بگوید: رفتار انسان تحت کنترل اصل لذت است؛ و این همان اندیشه‌ای است که به‌وسیله فروید و سایر روانشناسان تحلیلی به‌کار گرفته شد.

از سوی دیگر، می‌توان به کانت اشاره کرد. وی معتقد بود: آنچه را ما به‌طور هشیار تجربه می‌کنیم، هم تحت‌تأثیر تجربه حسی حاصل از جهان تجربی قرار دارد و هم متأثر از ذهن است که فطری می‌باشد و از این‌رو، فلسفه کانت را می‌توان پیشاهنگ «روانشناسی خبرپدازی» و علم شناختی دانست و در نهایت، می‌توان از جان لاک، فیلسوف تجربی انگلیسی، نام برد که موضع رفتارگرایان بر اساس نظریه وی استوار است. بنابراین، کوشش‌هایی که در قرون گذشته توسط فیلسوفان در راه مطالعه انسان انجام شده بودند، زمینه را برای مطالعات گسترده درباره روان و رفتار فراهم ساختند و مکاتب روانشناسی یکی پس از دیگری در کمتر از دو قرن شکل گرفتند. اکنون می‌توان با برنتانو هم عقیده بود که می‌گفت: روانشناسی هم یک علم تجربی است و هم یک دانش غیرتجربی و غیرعینی. غیرعینی بودنش به این دلیل است که از پدیده‌های ذهنی و روابط آن‌ها بحث می‌کند و عینی بودنش به این خاطر است که درباره حالات روانی پژوهش می‌کند.

براین‌اساس، می‌توان گفت: هرچا در روانشناسی توجه به درک مبانی نظری و پدیده‌های روانی و روابط آن‌ها با بدن بیش‌تر باشد، به فلسفه نزدیک‌تر می‌شویم و هرچا به جهت‌گیری زیست‌شناختی و مبانی فیزیولوژی متمرکز شویم، به مباحث صرفاً روانشناسی نزدیک شده‌ایم.

بنابراین، نمی‌توان روانشناسی را علمی کاملاً تجربی دانست؛ زیرا به گفته یونگ، اگر روانشناسی صرفاً یکی از فعالیت‌های مغزی تلقی شود، «ارزش ویژه و کیفیت ذاتی خود را بلافاصله از دست می‌دهد و حاصل عمل غدد داخلی و در ردیف یکی از شاخه‌های فیزیولوژی به‌شمار می‌رود» و به بیان اریک فروم: «روانشناسی به‌صورت علمی درمی‌آید که فاقد موضوع اصلی خویش، یعنی روح انسان است.»

بدین‌سان، روانشناسی خواه‌ناخواه باید با واقع‌بینی تمام، مسائل فلسفی مربوط به ذهن و روان را به‌عنوان اصل موضوعی زیربنای حرکت خود قرار دهد و نباید پنداشت که می‌توان با نفی مسئله نفس و بدن، رابطه روانشناسی را از فلسفه گسست؛ چرا که این درست اقرار به ارتباط و تأثیر فلسفه در روانشناسی است.

مسئله مشهور نفس و بدن و نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر از جمله مسائل فلسفی است که در نحوه نگرش روان‌شناختی مؤثر بوده و در مکاتب روانشناسی نیز مطرح شده‌است. مسئله‌ای که در بستر فلسفه رشد و گسترش یافته و با شیوه خاص فلسفی بررسی شده‌است و در تمام فرهنگ‌ها و ادیان و مذاهب مطرح بوده و مسئله‌ای انسانی و جهان‌شمول شده‌است.

به‌نظر می‌رسد مسئله «ارتباط نفس و بدن» یا وحدت و کثرت آن‌ها، اولین و محکم‌ترین پیوند و اتصال میان فلسفه و روانشناسی را همواره برقرار کرده‌است.

امروزه تا حدی پذیرفته شده‌است که با مباحث صرفاً فلسفی و بدون در نظر گرفتن فعالیت‌های عصبی مغز و داده‌های روانشناسان، نمی‌توان

رفتارهای انسان را توجیه و تبیین نمود و از سوی دیگر، با تمرکز محض روی مکانیسم‌های عصبی و بدون توجه به یافته‌های فلسفی، نمی‌توان به ماهیت نفس و جان انسان و ارتباط نفس با بدن پی برد. از این رو، با توجه به تجربه‌های با ارزش به دست آمده، برخی روانشناسان و فیلسوفان نیاز دو جانبه به بحث دربارهٔ مسائل مورد علاقهٔ مشترک را دریافته و بخشی را به نام «روانشناسی فلسفی» به وجود آورده‌اند که زمینه‌ای برای بحث در مورد مسائل نظری گوناگون روانشناسی از دیدگاه فلسفی فراهم آورده است.

خلاصه اینکه اگرچه روانشناسی تحت تأثیر علم و روش‌شناسی علمی، خود را به ظاهر از قید وابستگی‌های فلسفی رها ساخته و به صورت علمی مستقل و از خانوادهٔ علوم تجربی در آمده است، اما این دو تنها اسماً از هم جدا شده‌اند و نشانه‌های فراوانی در دست است که یک دوستی خوب برای هر دو طرف بسیار سودمند خواهد بود؛ زیرا نتایج تحقیقات روانشناسان سبب تکمیل دیدگاه‌های فلسفی در مورد نفس و بدن می‌شود و یافته‌های فلسفی کمک بزرگی به حل مسائل بنیادی روانشناسی می‌نماید.

روش تحقیقی که در مباحث علم النفس به کار می‌رود از نوع تحقیقات پایه‌ای و نظری است. تحقیقات بنیادی یا پایه‌ای از نوع تحقیقات نظری است که در آن محقق بدون داشتن هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعهٔ دانش به مطالعه می‌پردازد. تحقیقات کاربردی برای یافتن راه‌حلی دربارهٔ یک مشکل مهم در جامعه، یک سازمان صنعتی یا اداری انجام می‌شود. هدف اصلی تحقیقات توسعه‌ای نیز، نظریه‌پردازی یا آزمون نظریه نیست؛ بلکه توسعه محصولات یا فرایندهای جدید، تهیه یا تدوین برنامه‌ها، طرح‌ها و امثال آن است؛ بنابراین علم النفس به دلیل نظری بودن، جزو تحقیقات پایه قرار می‌گیرد.

## نفس در فلسفه اسلامی

توضیح: قبل از اینکه وارد مباحث متنوع علم النفس بشیم، اولین سؤالی که ذهن رو مشغول می‌کنه اینه که اصلاً نفس به چه معناست؟ نفس در فلسفه با نفس در قرآن و دین، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی داره. اگه بخوام خیلی ساده بگم، انسان دارای دو بُعد هست: مادی و غیرمادی. بُعد مادی انسان که همون بدن ماست و چون مادیه، بنابراین ویژگی‌های مواد رو نیز داره، مثلاً محدود به مکان و زمان هست، یعنی در آن واحد، فقط می‌تونه در یک زمان و مکان مشخص و واحد باشه. و اما بُعد غیرمادی انسان. این بعد رو در فلسفه بهش میگن: نفس. در متون دینی هم بهش میگن روح انسانی. چون این بعد غیرمادیه، پس ویژگی‌های مواد رو نداره. حالا میریم سراغ تعریف ارسطو از نفس.

از نظر ارسطو و پیروان وی، نفس عبارت است از: نخستین استكمال جسم طبیعی آلی بالقوه دارای حیات!

توضیح: تعریف عجیبیه و فهمش دشواره. برای اینکه خوب خوب متوجه منظور آقای ارسطو بشیم میریم سراغ ترجمهٔ کلمه به کلمهٔ این تعریف.

نخستین: به معنای اولین.

استكمال: به معنای طلب رسیدن به تمامیت و کمال. دو نوع کمال داریم: ۱. اصلی یا اول: برای کارش به دیگری نیاز نداره (قائم به خود) و مصدر افعال و حالات هست، مثل نفس که حالات و افعال انسان ازش صادر میشه. ۲. عارضی یا دوم: وابسته به کمال اول هست، مثل افعال بدن که وابسته به نفس هست.

جسم طبیعی: به معنای بدن و جسم انسان و حیوان و گیاه است. اجسام مصنوعی مثل میز و تخته و سنگ کمال اول ندارند، چون به طور کلی افعال و حالاتی از اون‌ها سر نمی‌زنه و ثابت هستند، اما اجسام طبیعی دارای حیات مثل حیوان و گیاه و انسان دارای کمال اول هستند، چون دارای افعال و حالات هستند، مثلاً یکی از کارهایی که نباتات انجام میدن، تغذیه کردن و رشو و نمو هست.

آلی: به معنای وسیله و ابزار هست. تا اینجا فهمیدیم جسم طبیعی، میتونه یک سری کارها و فعالیت‌ها رو انجام بده اما همین جسم طبیعی تا هنگامی که آلات و ابزاری نداشته باشه، نمی‌تونه کارهایی رو که نفس بهش دستور میده رو انجام بده، بنابراین جسم انسان که افعال انسان رو انجام میده، آلت و ابزار داره.

بالقوه دارای حیات: یعنی توانایی زندگی کردن و حیات رو داره.

نتیجه‌گیری: نفس صادرکنندهٔ افعال و حالات به جسم طبیعی دارای حیاتی است که این افعال و حالات را به وسیلهٔ آلات و ابزار خود انجام می‌دهد. یعنی اون بُعد از وجود انسان که از جسم به عنوان ابزار استفاده می‌کنه تا فعالیت‌های خودش رو انجام بده، نفس انسانه.

آقای ارسطو یک مثال برای فهم بیشتر می‌زنه: یک تبر رو فرض کنین. این تبر یک ابزاره و کاری که باهاش انجام میدن همون بریدن و تگه



کردنه. جسم انسان مثل تیره و نفس مثل بریدن و تکه کردن.

اکثر فلاسفه نفس را جوهری مستقل از بدن می دانستند و برای آن قوایی در نظر می گرفتند. این افراد به تعریف و اثبات نفس و قوای آن می پرداختند.

**توضیح:** جوهر به معنای چیز هست. در فلسفه به جای کلمه چیز، چیزی و... از جوهر استفاده می کنند. مثلاً به جای اینکه بگیم نفس چیزی مستقل از بدن هست می گیم جوهری مستقل از بدن.

روانشناسان جدید برخلاف فلاسفه به حالات روانی یا کیفیات نفسانی می پردازند. همچنین روش تحقیق امروزی بر خلاف گذشته که عقلی بود، بر اساس مشاهده و تجربه است.

یک استثنا وجود دارد: ابن سینا در مباحث فلسفی روش علمی امروزی را نیز به کار می برد؛ بدین ترتیب که ابتدا از امور محسوس و مشهود آغاز می کرد و به تدریج به امور نامحسوس و عقلی می رسید. روش های علمی مثل روش روانشناسی فیزیولوژیک و روش تحلیل روانی، توسط ابن سینا مورد استفاده قرار گرفته است.

در نیمه دوم قرن نوزدهم جان استوارت میل روانشناسی را علمی مستقل و مبتنی بر مشاهده و آزمایش توصیف کرد. دو دانشمند آلمانی وبر و فخنر نیز نشان دادند که می توان کیفیات روانی را به کمیت تبدیل کرد. تلاش های گالتون در انگلستان نیز در همین راستا بود و به طور کلی حرکت فیلسوفان آلمانی و انگلیسی و فرانسوی موجب شد تا دیدگاه های فلسفی، عقلی، شهودی و انتزاعی در روانشناسی رنگ ببازد و به تدریج معیارهای تجربی همچون اندازه گیری و سنجش در تعریف پدیده های ذهنی و احساسی جا باز کند.

آگوست کنت به عنوان بنیان گذار اثبات گرایی برای مطالعه کنش های احساسی و عقلانی بر دو نوع مطالعه تأکید می ورزد: ۱. تعیین دقیق اوضاع ارگانیکی زیربنای آن کنش ها ۲. مشاهده متوالی رفتار. اثبات گرایی، طبیعت انسانی را به جنبه ارگانیکی و فیزیکی آن فرو می کاهد و هیچ نوع احساس و شعور یا نظام مرتبط با زندگی درونی را نمی پذیرد.

**توضیح:** روش های عقلی و تجربی، دو تا لنز مختلف برای نگاه کردن به دنیا در اختیار ما میذارن. هر کدوم از این روش ها، زیرشاخه های مختلف دارن و توضیحشون خیلی زمان بر و طولانی میشه و حداقل به یک جزوه دیگه برای بیان تفاوت هاشون نیاز داریم. اما اگه بخوام خلاصه و در حد یک خط بگم، در روش تجربی، تا زمانی که چیزی با حواس پنج گانه درک نشه، پذیرفته نمیشه اما در روش عقلی اینطور نیست.

به نظر فلاسفه اسلامی، جوهر انسان با جوهر سایر موجودات متفاوت است زیرا اگر جوهر آن ها یکسان بود، کمالات و افعال و صفات آن ها نیز یکسان بود؛ در حالی که یکسان نیست.

جوهری که به انسان تعلق دارد، محسوس (مادی) نیست بلکه معقول (غیرمادی) است، به همین دلیل صفات محسوسات و مادیات را ندارد بلکه ویژگی هایی غیرمادی و روحانی دارد.

این جوهر معقول در شرع و دین، روح نامیده می شود و در فلسفه و حکمت، نفس یا نفس ناطقه نام دارد.

با توجه به این دیدگاه نفس ناطقه دارای دو شاخصه یا دو بُعد است:

۱. علم به معقولات کلیه و وسیله ای برای خداشناسی.

۲. عمل خیر و نیک که از اراده عقلانی سرچشمه می گیرد نه از شهوت.

**توضیح:** از نظر فلاسفه، همین بُعد غیرمادی انسان (نفس)، دو تا کار انجام میدهد. ۱. فعالیت های نظری و فکری (غیرعملی) ۲. فعالیت های عملی و ارادی (غیرنظری).

به نظر فلاسفه اسلامی، آفرینش انسان تفاوت زیادی با دیگر موجودات دارد که مهم ترین تفاوت آن، برخوردار بودن انسان از قدرت اختیار است. به نظر ایشان هر انسان دارای چند هویت نیست بلکه هر انسان هویت واحدی دارد که تمام صفات و افعال و کردار خویش را به خود نسبت می دهد.

**توضیح:** اینکه انسان کارهای مختلفی انجام میدهد، نشان دهنده چند شخصیتی بودن انسان نیست، بلکه همه این فعالیت ها از یک نفس واحد سرچشمه می گیرند.

هر انسان در زندگی فردی و اجتماعی اش دارای اهدافی است که برای رسیدن به آن ها باید یک سری اصول و قوانین و مقررات را رعایت نماید. در قرآن این اصول و راه و رسم زندگی؛ دین نامیده می شود.

## آغاز و پایان نفس

فلاسفه در مورد آغاز به وجود آمدن نفس، نظریات متفاوتی دارند. برخی نفس را قدیم و برخی حادث می‌دانند.

توضیح: قدیم بودن نفس یعنی نفس همیشه بوده، یعنی زمانی نبوده که نفس نبوده باشد، یعنی نفس از ازل بوده و هیچگاه ایجاد نشده چون همیشه وجود داشته. همچنین هیچ تغییری در نفس ایجاد نمیشود، یعنی نفس از ابتدا کامل بوده و چنین نبوده که در طول زمان و به تدریج، نقص و کاستی خودش رو بر طرف کنه و به کمالات جدیدی دست پیدا کنه. حادث بودن نفس یعنی نفس از ابتدا وجود نداشته و در زمانی مشخص، به وجود اومده. همچنین تغییراتی در نفس ایجاد میشه، یعنی نفس از ابتدا کامل نبوده و در طول زمان و به تدریج، نقص و کاستی خودش رو بر طرف کرده و کامل تر شده.

نیازمندی نفس ناطقه به قوا و آلات ادراکی و تحریکی، نشان می‌دهد که نفس در ابتدا ناقص و ضعیف است و پس از طی کردن مراحل به قوت می‌رسد؛ در نتیجه روشن می‌شود که نفس، جوهری قدیم نیست بلکه حادث است.

با استدلالی که در بالا ذکر شد، اصل حدوث نفس ثابت می‌شود اما اینکه این حدوث چگونه است، به مبانی هر یک از فلاسفه بستگی دارد. فلاسفه در مورد پایان و مقصد نفس نیز نظریات متفاوتی دارند. برخی نفس را باقی و برخی آن را فانی می‌دانند.

توضیح: فانی بودن یعنی نفس از بین خواهد رفت و باقی بودن یعنی همیشه و تا ابد خواهد بود و از بین نخواهد رفت.

حال نظریات مختلف در این زمینه را باهم بررسی می‌کنیم:

### ۱. نفس از نظر ارسطو و مشائیان: روحانیه الحدوث و روحانیه البقاء

یعنی نفس در آغاز خلقتش روحانی و غیر مادی بوده، سپس به بدن تعلق گرفته و بعد از مرگ بدن نیز به شکل روحانی و غیرمادی باقی می‌ماند.

توضیح: اگرچه در برخی منابع اومده که ارسطو نفس رو روحانیه البقاء میدونه، اما دقیق تر اینکه که بگیم نظر پیروان ارسطو، مانند ابن سینا این چنین هست، نه نظر ارسطو. از نظر ارسطو، نفس و بدن رابطه اتحادی دارند و این اتحاد، کامل هست؛ تا اونجا که پس از مرگ بدن، نفس هم از بین میره.

آن‌ها معتقد هستند ابتدا باید بدن به وجود بیاید و بعد از اینکه توانایی کسبِ نفسِ روحانی را به دست آورد، نفس به آن تعلق می‌گیرد. بنابراین نفس اگرچه در آغاز حدوث و خلقتش، روحانی است ولی برای حادث شدن به بدن و جسم نیازمند است.

۲. نفس از نظر مادی‌گرایان (ماتریالیست‌ها)، متکلمین و دهریون: جسمانیه الحدوث و جسمانیه البقاء  
یعنی نفس در ابتدای حدوث و خلقتش، جسمانی و مادی است و در ادامه حیاتش نیز مادی باقی می‌ماند.

۳. نفس از نظر اهل تناسخ: روحانیه الحدوث و جسمانیه البقاء.

یعنی نفس در ابتدا به صورت روحانی و مجرد به وجود می‌آید ولی بقای آن جسمانی است.

۴. نفس از نظر ملاصدرا و اهالی مکتب حکمت متعالیه: جسمانیه الحدوث و جسمانیه البقاء.

یعنی نفس در ابتدای حدوثش جسمانی و متعلق به عالم مادی است ولی در اثر تکامل، تجرد پیدا می‌کند و روحانی می‌گردد.

## ابزار ادراک از نظر فلاسفه

توضیح: از نظر فلاسفه وقتی انسان به دنیا می‌آید، یک سری ابزارهایی دارد که با اون‌ها میتونه جهان اطراف و خودش رو درک کنه. یکی از مهم‌ترین اختلاف‌های فلاسفه همینجاست که همه این ابزارها رو قبول دارند یا نه. فلاسفه مسلمان همه ابزارها رو می‌پذیرن اما برخی فلاسفه خیر.

### ● ابزار حسی

این ابزار وسیله‌ای است برای شناخت طبیعت است. حواس انسان آنچه را با ماده مرتبط است از طریق: چشم، گوش، بینی، زبان و پوست به صورت جزئی ادراک می‌کند.

## ● ابزار خیالی

پس از آن که شناخت حسی صورت می‌پذیرد، با از میان رفتن صورت مادی، تصویری غیر مادی از آن شیء در ذهن باقی می‌ماند که به آن «صورت خیالی» می‌گویند.

صورت خیالی همان صورت محسوس است که ماده در آن حضور ندارد. قوه‌ای که این صورت خیالی را درک می‌کند، «قوه خیال» است.

توضیح: قوه به معنای ابزار هست. یعنی خیال، ابزاری در انسانه که صورت‌های خیالی رو درک میکنه.

اهمیت این قوه از آن رو است که بسیاری از اختراعات، صنایع و آثار هنری و صنعتی از طریق آن پدید می‌آیند.

## ● ابزار وهمی

تفاوت قوه واهمه و قوه عاقله در این است که عقل، مفاهیم کلی را بدون صورت می‌فهمد؛ اما قوه واهمه، مفاهیم را با صورت‌های جزئی درک می‌کند. در ادراک معانی جزئی و موهوم، دخالت خیال نیز ضروری است؛ هر چند در بقای آن‌ها نیازی به قوه خیال نیست. وهم و تخیل جزو ادراکات جزئی هستند به این دلیل که وظیفه تخیل، درک محسوسات در غیاب آن‌ها است و وظیفه وهم نیز اگرچه درک معانی است ولی معناهایی را درک می‌کند که از محسوسات سرچشمه می‌گیرند. درک جزئیات متعلق به نفس ناطقه یا عقل نیست بلکه متعلق به نفس حیوانی است.

توضیح: مبحث کلی و جزئی در فلسفه از اون بحث‌های پیچیده و پر از اختلافه. از افلاطون که حدود ۲۵۰۰ سال پیش زندگی می‌کرده تا فلاسفه امروزی، بحث‌های مختلفی در این زمینه وجود داشته. من خیلی خلاصه و آسون و با یک مثال بحث رو براتون توضیح میدم: فرض کنید ۳ نفر در مقابل شما قرار دارند، احمد و فرهاد و سیمین. وقتی شما اینها رو بررسی میکنین، یک سری صفت‌هایی در اون‌ها مشاهده می‌کنین که مخصوص خودشونه، مثلاً رنگ مو، بلندی قد و... اما یک صفت دیگه هم از اون‌ها درک میکنین که اولاً به طور مستقیم قابل مشاهده نیست و دوماً در همه اون‌ها مشترکه، ویژگی «انسان» بودن. انسانیت رو همیشه در یک فرد مشاهده کرد بلکه از طریق ویژگی‌های ظاهریش متوجه می‌شیم که این موجود، انسان هست یا نه. همچنین انسانیت در همه این‌ها مشترکه و همشون انسان هستن. پس مفاهیم جزئی رو با حواس پنج‌گانه و مستقیماً میشه درک کرد مثل: رنگ مو، اما مفاهیم کلی با حواس پنج‌گانه قابل درک نیستن (البته گاهی حواس به ما کمک می‌کنن) بلکه با عقل قابل درک هستن. وقتی ما به محسوسات نگاه می‌کنیم، یک مفهوم کلی از اون‌ها در ذهنمون شکل میگیره مثل انسان بودن. البته توجه داشته باشین که همه مفاهیم کلی از محسوسات انتزاع نمیشن.

## ● ابزار عقلی

انسان از طریق ابزار عقلی (مهم‌ترین ابزار)، معانی کلی و معقولی را درک می‌کند. نفس ناطقه برای ادراک کلی نیازی به وسیله و آلت ندارد و بدون وسیله نیز می‌تواند کلیات را درک کند. ادراک کلی یعنی ادراک مجردات (پدیده‌ها و مفاهیم غیرمادی). به این نوع ادراک، تعقل یا نطق نیز می‌گویند.

## ● ابزار قلبی

معانی مجرد و کلی را ابزار عقلی به ادراک انسان می‌آورند. تفاوت قلب در ادراک این معانی با عقل این است که اولاً آنچه را عقل از دور به صورت مفهوم کلی به ادراک درمی‌آورد، قلب از نزدیک شهود می‌کند. ثانیاً عقل به دلیل محدودیت در درک مفهومی، نمی‌تواند بسیاری از حقایق را درک کند؛ اما قلب با ادراک شهودی بر بسیاری از اسرار کلی و بلکه جزئی نیز آگاه می‌شود.

توضیح: ابزار قلب همون ابزاریه که عارفان ازش استفاده می‌کنن و از نظر برخی فلاسفه مثل سهروردی، توانایی قلب از عقل بیشتره و چیزهایی رو درک میکنه که عقل نمیتونه.

## ● نیم‌نگاهی به منطق

مبحث نسبت‌های چهارگانه (تساوی، تباین، من وجه و مطلق) جزو مباحث اولیه منطق و پیش‌زمینه مباحث فلسفی و علم‌النفس است.



میان مصادیق دو مفهوم، حالات زیر برقرار هستند:

۱. تساوی: اگر مصادیق یک مفهوم کاملاً با مصادیق مفهوم دیگر یکسان باشد و بر هم منطبق باشند (همانند دو دایره که روی هم قرار می‌گیرند).

توضیح: مثلاً مثلث و شکل سه ضلعی رو در نظر بگیریم. هر شکل سه ضلعی مثلث و هر مثلثی شکل سه ضلعیه. یعنی نمی‌تونیم هیچ شکل سه ضلعی پیدا بکنیم که مثلث نباشه و یا همیشه هیچ مثلثی پیدا کرد که شکل سه ضلعی نباشه. پس این دوتا مفهوم با هم رابطه تساوی دارن.

۲. تباین: اگر مصادیق یک مفهوم کاملاً با مفهوم دیگر متفاوت باشد و هیچ اشتراکی نداشته باشند (همانند دو دایره که کاملاً از هم جدا هستند).

توضیح: مثلاً مثلث و دایره. این دو تا هیچ مصداق مشترکی با هم ندارن. یعنی همیشه هیچ دایره مثلثی و یا هیچ مثلث دایره‌ای پیدا کرد. پس این دو تا با هم رابطه تباین دارن.

۳. عموم و خصوص مطلق: اگر مصادیق یک مفهوم کاملاً درون مصادیق مفهوم دیگر قرار بگیرد اما مصادیق مفهوم دوم کاملاً با مفهوم اول یکسان نباشد (همانند دو دایره که یکی از آن‌ها داخل دیگری قرار می‌گیرد).

توضیح: مثلاً شکل و مثلث. هر مثلثی شکله اما هر شکلی مثلث نیست. یعنی تمام مصادیق مثلث، داخل محدوده شکل‌ها قرار می‌گیره پس این دو مفهوم با هم رابطه مطلق دارن.

۴. عموم و خصوص من وجه: اگر دو مفهوم در برخی مصادیق با هم مشترک و در برخی مصادیق با هم متفاوت باشند (مانند دو دایره که همدیگر را قطع کرده باشند).

توضیح: مثلاً مثلث و شکل دارای اضلاع مساوی. هر مثلثی شکل متساوی‌الاضلاع نیست و هر شکل متساوی‌الاضلاع، مثلث نیست. اما برخی از مثلث‌ها متساوی‌الاضلاع و برخی متساوی‌الاضلاع‌ها مثلث هستن. بنابراین این دو مفهوم در برخی مصداق‌ها مشترک و در برخی مصداق‌ها متفاوت هستن و رابطه شون من وجه هست.

## خلاصه فصل

- فلسفه به عنوان یک دانش تلاش می‌کند از طریق ابزار عقل، مهم‌ترین و کلی‌ترین مسائل جهان هستی را بررسی کند و از ابزار عقل بهره می‌برد.
- در اثر واکنش نسبت به فلسفه دکارت، «فلسفه تجربی» و نظام‌های وابسته به آن به وجود آمدند و به سرعت تحلیل تجربی ذهن جای بررسی عقلانی آن را گرفت و روانشناسی، جنبه تجربی یافت.
- در علم النفس، علاوه بر مباحث فیزیولوژیک و حواس ظاهری، به امور مربوط به بُعد انسانی نیز توجه بسیاری شده است.
- مکتب «تجربه‌گرایی» گرایشی مهم نسبت به روانشناسی ایجاد کرد و آغازگر تحولی ریشه‌ای در تفکر روان‌شناختی گردید.
- فلسفه کانت را می‌توان پیشاهنگ «روانشناسی خبرپردازی» و علم شناختی دانست.
- مسئله «ارتباط نفس و بدن» یا وحدت و کثرت آن‌ها، اولین و محکم‌ترین پیوند و اتصال میان فلسفه و روانشناسی را همواره برقرار کرده است.
- «روانشناسی فلسفی»، زمینه‌ای برای بحث در مورد مسائل نظری گوناگون روانشناسی از دیدگاه فلسفی فراهم آورده است.
- علم النفس به دلیل نظری بودن، جزو تحقیقات پایه قرار می‌گیرد.
- از نظر ارسطو و پیروان وی، نفس عبارت است از: نخستین استكمال جسم طبیعی آلی بالقوه دارای حیات.
- روش‌های علمی مثل روش روانشناسی فیزیولوژیک و روش تحلیل روانی، توسط ابن‌سینا مورد استفاده قرار گرفته است.
- در نیمه دوم قرن نوزدهم جان استوارت میل روانشناسی را علمی مستقل و مبتنی بر مشاهده و آزمایش توصیف کرد.
- نفس، جوهری قدیم نیست بلکه حادث است.
- ابزار حسی وسیله‌ای است برای شناخت طبیعت است.
- درک جزئیات متعلق به نفس ناطقه یا عقل نیست بلکه متعلق به نفس حیوانی است.
- انسان از طریق ابزار عقلی (مهم‌ترین ابزار)، معانی کلی و معقولی را درک می‌کند.

- نفس ناطقه بدون وسیله نیز می‌تواند کلیات را درک کند.
- ادراک کلی یعنی ادراک مجردات (پدیده‌ها و مفاهیم غیرمادی). به این نوع ادراک، تعقل یا نطق نیز می‌گویند.
- مبحث نسبت‌های چهارگانه (تساوی، تباین، من وجه و مُطلق) جزو مباحث اولیهٔ منطق و پیش‌زمینهٔ مباحث فلسفی و علم‌النفس است.

### سوالات کنکور سراسری

- ۱) محتوای علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی بیشتر با کدام بخش از علم روانشناسی دارای فصل مشترک است؟ (ارشد ۱۴۰۱)
- ۱) تحقیقات توسعه‌ای (۲) فلسفهٔ روانشناسی (۳) مطالعات کاربردی (۴) تحقیقات پایه
- ۲) دانشمندان مسلمان در تحقیقات مربوط به نفس، اغلب از کدام روش‌ها استفاده کرده‌اند؟ (ارشد ۱۳۹۸)
- ۱) تمثیلی و عقلی (۲) عقلی و قیاسی (۳) استقرایی و تمثیلی (۴) استقرایی و تجربی
- ۳) کدام مورد، نظر اغلب دانشمندان اسلامی در مورد عقل است؟ (ارشد ۱۳۹۵)
- ۱) تغییر رفتار ناهنجار انسان ربطی به نگرش او ندارد. (۲) عقل، مهم‌ترین ابزار شناخت انسان است.
- ۳) حواس پنج‌گانه از ابزارهای مهم شناخت انسان محسوب نمی‌شوند (۴) فقط حس و عقل ابزار شناخت انسان هستند.
- ۴) در بیان حدوث و بقای نفس، ارسطو قائل به کدام قاعده است؟ (ارشد ۱۳۸۹)
- ۱) جسمانیة الحدوث و البقاء (۲) جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء
- ۳) روحانیة الحدوث و جسمانیة البقاء (۴) روحانیة الحدوث و البقاء
- ۵) در ارتباط با دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ حدوث و قدم نفس، کدام یک متعلق به ملاصدرا است؟ (ارشد ۱۳۸۹)
- ۱) روحانیة الحدوث و البقاء بودن نفس (۲) جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس
- ۳) جسمانیة الحدوث و البقاء بودن نفس (۴) روحانیة الحدوث و جسمانیة البقاء بودن نفس
- ۶) فلسفه؛ رابطهٔ عقل است با: (ارشد ۱۳۸۷)
- ۱) عالم عینی (۲) عقل (۳) قلب (۴) هوی
- ۷) کدام یک از دانشمندان معتقد است که مبدأ تکوین نفس ماده جسمانی است؟ (ارشد ۱۳۸۶)
- ۱) ابن‌باجه (۲) ابن‌سینا (۳) فارابی (۴) ملاصدرا
- ۸) روش تحقیق در روانشناسی جدید عبارت است از: (ارشد ۱۳۸۳)
- ۱) رفتارشناسی (۲) استدلال فلسفی (۳) مشاهده و تجربه (۴) کشف و شهود
- ۹) در تعریف فلاسفه از نفس، کدام تعبیر می‌رساند که آتش و زمین دارای نفس نیستند؟ (ارشد ۱۳۸۳)
- ۱) آلی (۲) طبیعی (۳) کمال ثانی (۴) کمال اول
- ۱۰) مباحث نموده‌های رفتاری و ماهیت جان به ترتیب در علوم ..... و ..... مطرح می‌شوند. (ارشد ۱۳۸۳)
- ۱) فلسفه و روانشناسی جدید (۲) روانشناسی امروز و فلسفه
- ۳) زیست‌شناسی و روانشناسی اسلامی (۴) روانشناسی امروز و زیست‌شناسی

## پاسخ تشریحی

### ۱) گزینه ۴

همان طور که در مقدمه کتاب و جای جای کتاب به آن اشاره شده، علم النفس یعنی تعریف و اثبات نفس و قوای آن. تحقیقات بنیادی یا پایه‌ای از نوع تحقیقات نظری است که در آن محقق بدون داشتن هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می‌پردازد. تحقیقات کاربردی برای یافتن راه‌حلی درباره یک مشکل مهم در جامعه، یک سازمان صنعتی یا اداری انجام می‌شود. هدف اصلی تحقیقات توسعه‌ای، نظریه‌پردازی یا آزمون نظریه نیست بلکه توسعه محصولات یا فرایندهای جدید، تهیه یا تدوین برنامه‌ها، طرح‌ها و امثال آن است. با توجه به مطالب بالا، علم النفس به دلیل نظری بودن، جزو تحقیقات پایه قرار می‌گیرد.

### ۲) گزینه ۲

روانشناسان جدید برخلاف فلاسفه به حالات روانی یا کیفیات نفسانی می‌پردازند. همچنین روش تحقیق امروزی بر خلاف گذشته که عقلی بود، بر اساس مشاهده و تجربه است.

### ۳) گزینه ۲

انسان از طریق ابزار عقلی (مهم‌ترین ابزار)، معانی کلی و معقولی را درک می‌کند. ادراک کلی یعنی ادراک مجردات (پدیده‌ها و مفاهیم غیرمادی). به این نوع ادراک، تعقل یا نطق نیز می‌گویند.

### ۴) گزینه ۴

نفس از نظر ارسطو و مشائیان، روحانیه الحدوث و روحانیه البقاء است. یعنی نفس در آغاز خلقتش روحانی و غیر مادی بوده، سپس به بدن تعلق گرفته و بعد از مرگ بدن نیز به شکل روحانی و غیرمادی باقی می‌ماند.

### ۵) گزینه ۲

ملاصدرا و اهالی مکتب حکمت متعالیه عقیده دارند که نفس در ابتدای حدوثش جسمانی و متعلق به عالم مادی است ولی در اثر تکامل، تجزیه پیدا می‌کند و روحانی می‌گردد. بنابراین از نظر آن‌ها نفس جسمانی‌الحدوث و روحانی‌البقاء است.

### ۶) گزینه ۲

فلسفه به‌عنوان یک دانش تلاش می‌کند از طریق ابزار عقل، مهم‌ترین و کلی‌ترین مسائل جهان هستی را بررسی کند. از بین ابزارهای سه‌گانه شناخت در انسان یعنی حس، عقل و قلب، فلسفه از ابزار عقل بهره می‌برد.

### ۷) گزینه ۴

نفس از نظر ملاصدرا و اهالی مکتب حکمت متعالیه، جسمانی‌الحدوث

و روحانی‌البقا می‌باشد؛ یعنی نفس در ابتدای حدوثش جسمانی و متعلق به عالم مادی است ولی در اثر تکامل، تجزیه پیدا می‌کند و روحانی می‌گردد.

### ۸) گزینه ۳

روانشناسان جدید برخلاف فلاسفه به حالات روانی یا کیفیات نفسانی می‌پردازند. همچنین روش تحقیق امروزی بر خلاف گذشته که عقلی بود، بر اساس مشاهده و تجربه است.

در نیمه دوم قرن نوزدهم جان استوارت میل روانشناسی را علمی مستقل و مبتنی بر مشاهده و آزمایش توصیف کرد. دو دانشمند آلمانی وبر و فخنر نیز نشان دادند که می‌توان کیفیات روانی را به کمیت تبدیل کرد. تلاش‌های گالتون در انگلستان نیز در همین راستا بود و به‌طور کلی حرکت فیلسوفان آلمانی و انگلیسی و فرانسوی موجب شد تا دیدگاه‌های فلسفی، عقلی، شهودی و انتزاعی در روانشناسی رنگ ببازد و به تدریج معیارهای تجربی همچون اندازه‌گیری و سنجش در تعریف پدیده‌های ذهنی و احساسی جا باز کند.

### ۹) گزینه ۱

از نظر ارسطو و پیروان وی، نفس عبارت است از: نخستین استکمال جسم طبیعی آلی بالقوه دارای حیات. چیزهایی مانند سنگ و خاک و آب و آتش و زمین چون فاقد آلت و ابزار هستند، بنابراین دارای نفس نیز نیستند، اما موجوداتی مانند حیوانات و انسان چون کارهایشان را توسط ابزارهایی همچون چشم و گوش و عضلات و... انجام می‌دهند، بنابراین دارای نفس می‌باشند.

### ۱۰) گزینه ۲

تاریخ روانشناسی را می‌توان به دو دوره اصلی تقسیم کرد: دوره اول از زمان فلسفه یونان باستان تا پایان قرون وسطی یعنی در یک فاصله زمانی بیش از دو هزار سال که در طی آن، موضوع اصلی روانشناسی، ماهیت روح و جان انسان و تلاش برای شناسایی آن با روش‌های فلسفی تشکیل بود. این دوره به «عصر روانشناسی مابعدطبیعی یا ما قبل علمی» موسوم است و مکاتب سنتی و عمدتاً فلسفی-روان‌شناختی به جدایی مطلق «نفس» و «بدن» باور داشتند. روانشناسی ما قبل علمی بیش از حد فلسفی بود و مسئله مورد علاقه‌اش شناسایی حیات ذهنی بشر با روش‌های فلسفی بود. دوره دوم از عصر دکارت به بعد شروع می‌شود. دکارت توجهش را از روح به ذهن و فرایندهای ذهنی معطوف ساخت و پس از وی ذهن در کانون توجه قرار گرفت و مجادله بر سر رابطه نفس و بدن با عناوین گوناگون در میان فلاسفه و روانشناسان شدت یافت. اما در اثر واکنش نسبت به فلسفه دکارت، «فلسفه تجربی» و نظام‌های وابسته به آن به وجود آمدند و به‌زودی



تحلیل تجربی ذهن، جای بررسی عقلانی آن را گرفت و روانشناسی، جنبه تجربی یافت.

بدین سان، روانشناسی نوین، که در ابتدا بیش از حد فلسفی بود، به تدریج از فلسفه فاصله گرفت و جنبه علمی تری یافت. و گرچه در ابتدا، ذهن گرایی مکتب حاکم بر تفکرات روان شناختی بود و روانشناسان انسان را ترکیبی از بدن و ذهن در نظر می گرفتند و هشیاری را معادل ذهن دانسته، روانشناسی را علم مطالعه هشیاری و ذهن تعریف نمودند، اما تحت تأثیر جو علمی حاکم بر قرن نوزدهم، مطالعه ذهن و هشیاری، که در کانون و متن روانشناسی قرار داشت، برای مدتی از روانشناسی حذف گردید و بیشتر به جنبه های رفتاری انسان توجه شد.

روایاتان را زندگی کنید

- قرآن کریم
- احمدی، علی اصغر (۱۳۹۲). *روانشناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ازه‌ای، جواد (۱۳۹۵). *روانشناسی از دیدگاه دانشمندان اسلامی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بنی جمالی، شکوه/السادات و احدی، حسن (۱۳۹۰). *علم/النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روانشناسی جدید*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۸۹). *روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شیخ بهایی، کشکول، جلد ۱.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۱). *بدایة الحکمه* (ترجمه علی شیروانی). قم: انتشارات دارالعلم.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۲). *نهایة الحکمه* (ترجمه مهدی تدین). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عثمان، عبدالکریم (۱۳۸۷). *روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی: مفهوم نفس و روان انسان*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کجباف، محمدباقر (۱۳۹۴). *علم/النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی (روانشناسی اسلامی)*. تهران: نشر روان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). *فلسفه اخلاق*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *فطرت*. تهران: انتشارات صدرا.
- نجاتی، محمد عثمان (۱۳۹۵). *علم/النفس - روانشناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان* (ترجمه سعید بهشتی). تهران: انتشارات رشد.



پل‌های ارتباطی ما با شما جهت برقراری ارتباط، پاسخگویی به سوالات  
و دسترسی به آموزش‌ها و مطالب مشاوره‌ای رایگان

